



مبارزه طبقاتی

نورالدین کیا نوری

- مبارزه طبقاتی
- نورالدین کیانوری
- انتشار مجدد: چاوشان نوزایی کبیر
- آدرس:

<http://chawoshan.mihanblog.com>

مبارزه طبقاتی

سراسر تاریخ بشر را یک سلسله مبارزات متوالی دسته های عظیم افراد بشر که برای ادامه حیات خود تلاش می کنند تشکیل میدهد. این مبارزه در هر دوره متناسب با شرایط اجتماعی آن زمان و تحت تأثیر عوامل مختلف موجود به صورت معینی تظاهر می کند - گاه دسته کوچکی از غارتگران به نام های مختلف و شعار های گوناگون حاصل دسترنج توده های زحمتکش مولد ثروت را به چپاول و یغما می بردند و گاه هم این توده های چپاول شده عاصی گشته با قیام های عظیم کوشش می نمایند دست غارتگران را کوتاه سازند .

اگر ما برای آشنایی به واقعیت جریان تکامل اجتماع بشری به تاریخ های کلاسیک مراجعه نمائیم در اغلب آن ها جز قصه گویی ها و مدیحه سرائیهای بی ارزش چیز دیگری نمی یابیم . علت آن است که کمتر تاریخ نویسان سعی کرده و یا توانسته اند جریان وقایع تاریخی را به طور صحیح تنظیم نمایند .

در زمان های گذشته اغلب نوشته های نویسندگان تحت نظر دستگاه های حاکمه وقت و مطابق منافع آنان تهیه و تدوین می گردید و هنوز هم این موضوع در اغلب کشور های جهان واقعیت غیر قابل انکاری است . در نتیجه در اغلب تواریخ نه تنها منافع طبقات حاکمه مورد

مبارزه طبقاتی نورالدین کیانوری

حمله واقع نمی شد بلکه همیشه از عملیات این دستگاه ها دفاع شده و کلیه اقدامات آن ها تقدیس می گردید .

ما تنها با دقت زیاد از لابلای سطور این کتب می توانیم حقایق تاریخی را استخراج نمائیم . ولی نباید فراموش کرد که نقص اصلی تواریخ موجود تنها در این نیست که آن ها به طرفداری از منافع دستگاه حاکمه وقت ، نوشته و منتشر شده اند بلکه نقص اصولی این تواریخ در طرز قضاوت آن ها نسبت به وقایع اجتماعی است و همین موضوع پایه اساسی اختلاف نظر ما را با محتویات تواریخ عمومی موجود تشکیل می دهد . در این تواریخ که اغلب به وسیله نمایندگان غیر مطلع و بی معرفت تنظیم گردیده است کلیه جریانات اجتماعات بشری به صورت اتفاقات مجزا از هم و بدون ارتباط با شرایط زمانی و مکانی تشریح شده است . بطلان این طرز قضاوت امروز یعنی پس از پیدایش و تکمیل استنباط علمی تاریخ بشری ، کاملاً ثابت گردیده است .

استنباط علمی تاریخ به ما حکم می کند که در جریان تاریخ بشری هرج و مرج و بی نظمی وجود ندارد و این گوشه از تظاهرات طبیعی هم مانند سایر نمود های طبیعت مطابق قوانین بسیار منظم و دقیق تحول پیدا می کند .

مبارزه طبقاتی نورالدین کیانوری

تاریخ علمی امروز ما را راهنمایی می کند که وقایع تاریخی را فقط به عنوان یک سلسله اتفاقات مجزا از هم ندانیم بلکه بر عکس تمام تاریخ بشری را مانند یک مجموعه زنده که در روی خط سیر معینی تکامل پیدا می کند و در هر حال به تبعیت از شرایط زمانی و مکانی صورت معینی به خود می گیرد ، تصور نمائیم .

استنباط علمی تاریخ به ما حکم می کند که بر خلاف گذشتگان و بعضی از معاصرین بی اطلاع تاریخ را مجموعه از ابتکارات افراد « برجسته » و " فوق العاده " ندانسته و تصور نمائیم که وقایع بزرگ تاریخی زائیده وجود و عملیات افراد بخصوصی است و بدون این افراد تاریخ بشری بکلی صورت دیگری پیدا می کرد . بلکه با مطالعه علمی تاریخ بشری به این نتیجه می رسیم که تاریخ بشری عبارت است از جریان تلاش و مبارزه دائمی بشر در راه به وجود آوردن شرایط مساعد تری برای زندگی خود . مجموعه اجتماع بشر است که با تلاش دائمی خود در راه بهبودی شرایط زندگی ، تاریخ اجتماع بشری را به وجود می آورد .

جریان این مبارزه و تلاش دائمی است که هر روز ، هر جا ، به صورت مخصوصی جلوه می کند و تعیین کننده این صور مختلف تظاهر مبارزات اجتماعی ، شرایط عمومی زمانی و مکانی تولید اجتماعی است که وسیله به وجود آوردن شرایط مساعد زندگی می باشد .

مبارزه طبقاتی نورالدین کیانوری

استنباط علمی تاریخ برای ما روشن می کند که این مبارزه و تلاش مجموعه افراد اجتماع بشری برای بهبود شرایط زندگی ، تحت شرایط معینی و در دوره های بخصوصی ممکن است به شکل جنگ های خونین طبقات وسیع مولد ثروت و محروم با طبقات کوچک جمع کننده ثروت و صاحب همه چیز که بارها با شکست ولی بالاخره با پیروزی خاتمه پیدا می کند در می آید و همین مبارزه و تلاش تحت شرایط دیگر و در دوره دیگر به صورت همکاری صمیمانه تمام افراد متظاهر میگردد ولی در هر دو حال به وجود آورنده تاریخ همان تلاش بشری است .

ما برای روشن کردن موضوع قبلاً چند نمونه از برخوردهای داخلی و تظاهرات گوناگون مبارزات اجتماعی در دوره های مختلف بشر را یادآوری می کنیم .

مثلاً اگر تاریخ دوره بردگی را مطالعه کنیم به دفعات مبارزات شدید و خونین بین طبقه وسیع بردگان از یکطرف و طبقه کوچک صاحبان برده را از طرف دیگر می بینیم .

درخشان ترین و معروف ترین این مبارزات ، نبرد دو ساله اسپارتاکوس است که در سالهای ۷۳ تا ۷۱ قبل از میلاد مسیح در روم قدیم جریان داشت .

برده ها که در شرایط بسیار سخت و طاقت فرسا زندگی می کردند و همه چیز حتی زندگی آنها دستخوش تمایلات اربابان و صاحبانشان بود در اثر فشار به تنگ می آمدند و برای گرفتن حقوق حیاتی خود قیام های خونین می نمودند ، گرچه اغلب این قیام ها با شکست روبرو می

مبارزه طبقاتی نورالدین کیانوری

شد و در دنبال شکست هم ، فجیع ترین جنایات نسبت به قیام کنندگان اجرا می گردید ولی بالاخره تمام عکس العمل های شدید صاحبان برده نتوانست از جریان تکامل اجتماع جلوگیری نماید و روابط اجتماعی دوره بردگی در اثر جریان تکامل تولید به روابط جدید تولیدی تبدیل شد .

اسپارتاکوس پس از یک مبارزه خونین دو ساله شکست خورد و ده ها هزار بردگانی که ارتش انقلابی او را تشکیل می دادند بطرز وحشت آوری قتل عام شدند ولی با وجود این، دوره بردگی و روابط بخصوص آن ، کم کم سپری گردید و دوره جدیدی جانشین آن شد . بردگان تبدیل به رعایای دوره فئودالیته گشتند و حقوقی خیلی بیشتر از دوره بردگی به دست آوردند .

ولی با وجود اینکه رعایای دوره فئودالیته نسبت به بردگان دوره بردگی ، مزایای اجتماعی زیادی داشتند مبارزل آنان بر علیه صاحبان برده که در این زمان به صورت ارباب های فئودال در آمده بودند نه تنها از بین نرفت بلکه بر شدت و وسعت آن افزوده گردید .

در تاریخ دوره فئودالیته که زمین بزرگترین وسیله تولید بشمار میرفت در گوشه و کنار دنیا مبارزات خونین بین افراد طبقات مختلف که منافع متضادی داشتند در جریان بود . نمونه های این مبارزات در همه کشورهای جهان دیده میشود.

مبارزه طبقاتی نورالدین کیانوری

در تاریخ انگلستان ، فرانسه ، ایتالیا ، اسپانی ، چین ، هندوستان و سایر کشورهای روی زمین و از آنجمله در تاریخ کشور خودمان نمونه های بسیار درخشانی از نهضت های وسیع دهقانی که با جنگ ها و قیام های خونین بر علیه دستگاه حاکمه توأم بود دیده می شود .

مثلاً در اوائل نیمه دوم قرن چهاردهم (۱۳۵۸) در فرانسه قیام بسیار وسیعی از دهقانان بر علیه اشراف صورت گرفت . دهقانان که در اثر فشار و جنایات ارباب ها به تنگ آمدند به یک بار بر علیه قوانین موجود عصیان کرده و خانه های اربابانشان را سوزاندند و املاک را بین خود تقسیم نمودند . چون نیروی آنان زیاد بود ، موقتاً پیروزی نصیب آنان گردید .

ولی ارباب های رانده شده ، با کمک دوستان دیگر خود و ارباب های همسایه که از موقعیت دهقانان در ناحیه پاریس L Ile De France دچار وحشت شده بودند موفق شدند نهضت دهقانان را سرکوب نمایند و با شدیدترین وضعی آنان را قتل عام کنند . آنان را به آتش انداختند ، دست و پای آنان را بریده به نزد اقوامشان فرستادند . این نهضت دهقانان مانند یک سلسله نظایر خود با شکست خونین روبرو شد ، ولی سرکوب شدن این نهضت ها و موفقیت اربابان نتوانست از پیشرفت چرخ تاریخ جلوگیری کند و نتوانست نارضایتی توده های وسیع دهقانان را که عامل اصلی این گونه نهضت ها بود از بین ببرد . روز به روز مبارزه دهقانان

مبارزه طبقاتی نورالدین کیانوری

یعنی تولیدکنندگان ثروت با چپاولگران محصول زحمات آنان شدید تر میشد و دامنه این نهضت ها و طغیان ها وسیع تر می گردید .

در دوره مبارزه طولانی دهقانان و اربابان عوامل جدیدی پیدا شد که این عوامل به نفع توده های دهقانان وارد میدان کارزار اجتماعی گردید .

تولید اجتماعی پیش میرفت و بشر هر روز وسایل جدیدتری برای تولید محصولات مورد احتیاج خود پیدا میکرد . این وسایل روابط جدیدی را بین افراد بشر که به شکلی از اشکال با این وسایل ارتباط داشتند برقرار می نمود . در اثر پیدایش روابط جدید ، منافع جدیدی هم پیدا می شد و این منافع تازه با بعضی منافع موجود در اجتماع سابق موافقت و با برخی مغایرت داشت . مثلاً منافع طبقه سرمایه دار تازه به دوران رسیده قرون هفدهم و هجدهم فرانسه که مایل بود کالاهای خود را آزادانه به تمام نقاط کشور ببرد و مواد اولیه را به طور آزاد از دهقانان خریداری نماید و تعداد کافی کارگر برای بکار انداختن مؤسسات صنعتی خود از بین دهاقین جمع آوری کند با منافع اربابان صاحب ملک که مایل بودند کلیه این کارهای سرمایه داران تحت نظارت آنان باشد و در نتیجه سهمی از منافع سرشار سرمایه داری به عتوان حق نظارت و حق مالکیت زمین و دهقان به آنان پرداخته شود جداً مغایرت داشت . از طرف دیگر منافع دهقانان که مایل بودند زنجیرهای موجود دوره فئودالیت که همه حقوق حیاتی را از آنان سلب می نمود و

مبارزه طبقاتی نورالدین کیانوری

سرنوشت آنان را بطور کامل به دست اربابان می سپرد پاره شود و آزادی زندگی و کار برقرار گردد. این تقاضای دهقانان با تقاضای سرمایه داران تطبیق می نمود. از اینرو همکاری بین این دو طبقه روز به روز صورت جدی تری بخود گرفت و بالاخره دهقانان و سرمایه داران به کمک کارگرانی که تصور می کردند پیروزی دو طبقه نامبرده در بالا به نفع آنان نیز تمام خواهد شد موفق شدند اصول فئودالیت را در هم بشکنند و کاخ فرمانروایی چند صد ساله فئودال ها را سرنگون سازند. در خیلی از کشورها این تغییر با انقلاب های بسیار شدید و خونین که معروف ترین و جهانگیرترین آنها در اواخر قرن هجدهم در فرانسه صورت گرفت انجام پذیرفت.

انقلاب کبیر فرانسه نمونه بسیار بارز و برجسته ای از مبارزات اجتماعی طبقات محروم بر علیه طبقات حاکمه کشور است. این انقلاب توانست مقدار زیادی از قوانین اشرافی دوره فئودالیت را به نفع طبقه سرمایه دار که فاتح انقلاب بود براندازد و نظم نوینی در اجتماع آن روز فرانسه برقرار سازد. این انقلاب در فرانسه نماند و با وجود شکست های موقتی که به آن وارد آمد بالاخره در برانداختن اصول فئودالیسم در کشورهای دیگر هم تأثیر زیادی داشت.

پس از انقلاب کبیر فرانسه، نظیر آن با همان شعارها در آلمان، اطریش، مجارستان و بالاخره یک بار در سال ۱۹۰۵ و یک بار در فوریه ۱۹۱۷ در کشور روسیه به وقوع پیوست.

مبارزه طبقاتی نورالدین کیانوری

ولی باز هم این انقلاب ها و موفقیتشان نتوانست به مبارزات اجتماعی طبقات محروم بر علیه طبقات حاکم خاتمه بخشد . اگر چه در اثر این انقلاب ها طبقات حاکمه قبلی سرنگون گردید ولی جریان مبارزات اجتماعی از بین نرفت بلکه با شرایط نوین صورت تازه ای بخود گرفت .

با پیدایش دسته جدید سرمایه دار ، دسته های وسیع زحمتکش نوینی به نام کارگران بوجود آمد . این دو دسته هر دو بوسیله افزار جدید تولید یعنی ماشین های صنعتی به یکدیگر و به طرز نوین تولید مربوط می شدند . روابط بین دو دسته خود ، مادر یک سلسله مبارزات جدید بود . این مبارزه کارگران بر علیه سرمایه داران هم در طی تکامل چند صد ساله خود گاه به صورت مبارزات اقتصادی و گاه به صورت قیام های خونین بر علیه دستگاه موجود تظاهر کرده ، بارها این عصیانهای کارگری به وسیله سردارهای سرمایه داران به شکل وحشت آوری سرکوب گردید و توده های کارگر به صورت فجیعی قتل عام گردیدند . هر بار سرمایه داری تصور می کرد که با این اعمال خود ، نطفه این عصیان ها را در دریای خون خفه کرده است . مبارزه کارگران بر علیه کارفرمایان چیزی نبود که با خونریزی از بین برود . هر دفعه به صورت جدید و با حربه های جدید ، این مبارزه طلوع کرد .

شکست خونین انقلاب کارگری فرانسه در ۱۸۷۱ ، که طی آن ارتجاع فرانسه موفق شد با کمک دستیاران خارجی خود انقلابیون را در هم شکنند و به آن طرز وحشت آور چندین ده هزار

مبارزه طبقاتی نورالدین کیانوری

نفر را قتل عام نماید مانع از آن نشد که بعدها در همان فرانسه مبارزات نهضت کارگری بوجود نیاید و به موفقیت های بزرگ که ما امروز شاهد قسمتی از آن هستیم نائل نگردد و شکست انقلاب ۱۹۰۵ در روسیه تزاری هم نتوانست مبارزات نهضت کارگری آن کشور را مدفون سازد . بر عکس این شکست ها گر چه تلفات سنگینی به طبقه کارگر وارد ساخت ، خود به منزله مدرسه ای بود که طبقه کارگر در آن وسایل علمی مبارزه را می آموخت تا در دوره آینده به کار برد .

بالاخره طبقه کارگر روسیه توانست با پند گرفتن از کلیه مبارزاتی که هم زنجیرانش در کشورهای دیگر در طی قرون متوالی انجام داده بودند در یک موقع مناسب ، مبارزه خود را به موفقیت نهایی برساند و حکومت سرمایه داری را در کشور پهناور روسیه سرنگون ساخته ، به جای آن حکومت شوراهای دهقانی و کارگری را بر پا نماید . در این اجتماع مبارزات اجتماعی به شکل سابق یعنی مبارزه دسته های مختلف بر علیه هم وجود ندارد. تلاش عمومی افراد متوجه یک هدف مشترک که بالا بردن ثروت عمومی مردم است می شود.

این ها بودند نمونه هایی از مبارزاتی که سراسر تاریخ بشری را پر می نماید . این مبارزات تنها مطابق تمایلات عده ای به وجود نمی آید و بر طبق میل عده ای دیگر از بین نمی رود . علت اصلی این مبارزات واقعیت موجود در اجتماع است . واقعیتی که خارج از تمایلات فردی بشر در

مبارزه طبقاتی نورالدین کیانوری

واحد کلی اجتماع است . با تغییر و تکامل این واقعیت ، صورت مبارزات ، اشکال مخصوص به خود می گیرد .

چنانچه ذیلاً خواهیم دید این مبارزاتی که ما در بین سطور تاریخ به وجودشان پی بردیم نتیجهٔ منطقی روابط موجود در اجتماع و قوانین کلی طبیعت است و نمی تواند به هیچوجه از این قوانین سرپیچی نماید.

زندگی و قوانین کلی آن

علم زیست شناسی جدید با تحقیقات پر دامنه و دقیق خود ثابت می نماید که زندگی یعنی آن دسته خواصی که موجودات جاندار ، نباتات و حیوانات را از موجودات بی جان، جدا می نماید چیزی خارج از دنیای مادی نمی باشد و خود زندگی نیز مجموعهٔ یک دسته از خواص ماده است که در شرایط معینی به این شکل متظاهر می شود . زندگی چیزی خارج از طبیعت نیست. همین علم بیولوژی برای ما روشن می کند که زندگی یک جریان پر هرج و مرج اتفاقی نیست بلکه دارای یک نظم کامل بوده و تابع قوانین دقیق و منظمی است . در این جزوه تنها به ذکر خواصی از زندگی که مورد احتیاج موضوع مورد بحث ما است اکتفا می شود .

الف - یک موجود زنده خاصیت زنده بودن خود را در تمام شرایط نمی تواند نگاه دارد بلکه این خاصیت زندگی تنها در شرایط معین محیط و در یک فاصله معینی از منحنی تغییرات شرایط مختلف امکان پذیر است . مثلاً می دانیم که اغلب موجودات زنده در درجات حرارت پائین تر از صفر و بالاتر از ۱۰۰ درجه خواص زندگی خود را از دست می دهند و به موجودات مرده تبدیل می گردند . و یا در مورد فشار محیط هر موجودی در یک فاصله معینی از فشار هوا یا آب دور خود می تواند بقا داشته باشد و اگر فشار محیط را از حد معتدل به طور محسوس کم یا زیاد کنیم آن موجود خواص زندگی خود را از دست می دهد و یا هر موجود زنده از سلسله مواد معینی تغذیه می نماید و اگر این اغذیه در دسترس او نباشد نمی تواند زندگی خود را ادامه دهد. همچنین کلیه شرایط دیگر محیط زندگی هر موجود زنده را اگر از شرایط معمولی تغییر دهیم در ارکان زندگی آن موجود خلل ایجاد می شود .

بهترین شرایط و محیط مساعد - همانطور که گفته شد ادامه حیات هر موجود زنده در فاصله معینی از منحنی تغییرات شرایط مختلف محیط امکان پذیر است. ولی البته در تمام نقاط و درجات این فاصله زندگی به یک صورت نیست و تنها در یک نقطه از این فاصله مساعدترین وضع برای ادامه زندگی می باشد و هر چه از این نقطه دور شویم وضع برای ادامه زندگی سخت تر می شود یعنی موجود زنده با صرف نیروی زیادتری می تواند به بقاء خود ادامه دهد .

ب - یکی از خواص زندگی این است که هر موجود زنده به طور غریزی بدون آنکه خود فکر یا اراده کند دائماً در تلاش است که شرایط محیط را از هر حیث برای زندگی خود مساعدتر نماید و هر اندازه این شرایط از مساعدترین وضع optimum دور شود این تلاش شدید تر است . البته باید متذکر گردید که این تلاش همان طور که گفته شد کاملاً غریزی و از خواص مسلمة زندگی است و به هیچوجه نتیجه شعور و دانش و فهم موجود زنده نیست برای مثال تلاش غریزی انسان را در مقابل حرارت محیط مثال می زنیم . می دانیم که انسان در درجه حرارت ۱۸-۲۰ درجه به بهترین وجهی می تواند زندگی نماید (با در نظر گرفتن اینکه شرایط دیگر در حال معمولی و متناسب باشد) اگر درجه حرارت محیط زندگی از این حد بالا رود محیط نامساعدی برای او به وجود می آید . این موجود زنده در این وضع جدید به طور غریزی تلاش می نماید تا شرایط محیط را آماده تر سازد و نظایر این تلاش غریزی به شکل تعرق یعنی خارج شدن مقداری از آب بدن از پوست که با تبخیر شدن خود ، باعث می شود سطح پوست خارجی بدن خنک تر گردد و محیط گرم نامساعد اطراف پوست موجود زنده به محیط مساعدتری مبدل شود ، انجام گیرد . البته این تلاش به کلیه شرایط محیط به صورت های مختلف متظاهر می شود . این خاصیت تلاش دائمی موجود زنده برای مساعد کردن

مبارزه طبقاتی نورالدین کیانوری

محیط خارجی، یکی از خواص طبیعی آن است و با افکار و تمایلات و قراردادهای و مقررات حکومت نظامی و غیره قابل تغییر نمی باشد.

این خاصیت طبیعی زندگی در باره انسان کاملاً صادق است و مخصوصاً در اجتماعات بشری به صورت های مختلف متظاهر می شود. از آتجائیکه تطبیق این خاصیت طبیعی زندگی در کلیه ادوار تاریخی اجتماع بشری بحث ما را خیلی مفصل خواهد کرد، لذا تنها به ذکر دو مثال قناعت می شود.

۱- اجتماعی را فرض کنیم که در آن رژیم اقتصادی رعیت و اربابی حکمفرماست. در این جامعه افراد مختلفی یافت می شوند که گرچه شکل ظاهری آنان با یکدیگر شبیه است ولی در شرایط کاملاً متفاوت اقتصادی زندگی میکنند. بین افراد روابط معینی برقرار است و این روابط هم به وسیله قراردادهای اجتماعی و اخلاقی و مذهبی تحکیم و تثبیت شده است. سرپیچی از این روابط موجب مجازات می گردد. ما برای موشکافی به گوشه ای از این اجتماع رفته و افرادی که در این گوشه زندگی میکنند با روابطی که بین آنان برقرار است بطور دقیق مورد بررسی قرار میدهیم.

این گوشه یک دهکده است که در آن یک عده زیاد افراد به نام رعیت یا زارع در زمین های مزروعی مشغول کار هستند و در نتیجه کار سالیانه خود و استفاده از زمین و آب و وسایل ساده

مبارزه طبقاتی نورالدین کیانوری

کشاورزی مقداری محصول قابل مصرف تولید میکنند . در همین دهکده شخص دیگری به نام مالک یا ارباب توجه ما را جلب میکند . این شخص طبق قرارداد های جاری صاحب اراضی مزروعی شناخته شده است . این اراضی را یا به ارث از پدران خود برده و یا با پول خریداری کرده و یا به زور از مردم گرفته است در هر صورت بدون اینکه فعلاً ما منشاء مالکیت این شخص را مورد بحث قرار دهیم موضوع دیگری برای ما اهمیت پیدا می کند و آن روابطی است که این شخص با رعایا دارد .

ارتباط این دو طرف به وسیله زمین برقرار می شود . رعیت مجبور است روی زمین کار کند و زمین قابل کشت هم متعلق به ارباب است . ارباب برای آنکه به رعیت اجازه دهد که روی زمین کشت نماید حاضر است با او قراردادی منعقد سازد که از نتیجه محصول ، سهمی ارباب برد و سهمی هم رعیت . (البته سایر وسایل کار مانند گاواهن ، آب ، حیوانات برای شخم ، نیز در این جریان تولید دخالت دارند و ممکن است این وسایل متعلق به رعیت یا ارباب و یا شخص ثالثی باشند ولی ما فعلاً برای ساده کردن ، آنها را کنار می گذاریم) .

تقسیم سهم ارباب و رعیت در هر محل صورت خاصی دارد ولی آنچه برای بحث ما اهمیت دارد اینست که ارباب و رعیت در آخر سال باید میزان معینی از محصول را بین خود تقسیم

مبارزه طبقاتی نورالدین کیانوری

نمایند . اینجاست که خاصیت غریزی بشر موجود ، وضع خاصی را بین این دو نفر به وجود می آورند .

فرد رعیت بدون این که فکر یا اراده کند طبق غریزه خود برای زندگی مساعدتری در تلاش است . در یک اجتماع مصنوعی که بشر برای راحت تر کردن شرایط زندگی خود وسایلی به وجود آورده است مانند خانه ، لباس و غیره وقتی شرایط زندگی فرد بشر آماده تر و مساعدتر است که مقدار بیشتری از این وسایل داشته باشد . فرد رعیت که در محیط ده خود با این وسایل تماس دارد و حس می کند که با کمک آنها زندگی کم مشقت تری را می تواند داشته باشد همیشه به داشتن این وسایل متمایل است . البته در ابتدا غریزه بشری او را در این راه می اندازد و پس از آن شعور او راه رسیدن به این هدف را به او نشان می دهد .

تصور و فهم رعیت به او راهنمایی می کند که برای داشتن وسائل بیشتر برای زندگی باید در اجتماع فعلی سهم بیشتری از مواد و محصول تولید شده داشت . اگر سهم او در سال پنج خروار گندم است و در مقابل پنج خروار او سالی یک دست لباس می تواند تهیه کند مسلماً اگر در همان شرایط ده خروار محصول داشت می توانست دو دست لباس تهیه نماید . با این ترتیب رعیت ساده ما در درجه اول به وسیله خواص غریزی و پس از آن در نتیجه هدایت و شعور و فهم خود یک تمایل دائمی دارد که میزان سهم او در تقسیم آخر سال زیادتر شود .

مبارزه طبقاتی نورالدین کیانوری

ارباب ده هم چون فرد بشر است تابع همان قوانین کلی زندگی میباشد و به هیچوجه نمی تواند از آن سرپیچی نماید . او هم به همان دلائل مایل است که به هر شکل شده میزان سهمش از محصول آخر سال اضافه شود.

ولی از آنجائیکه محصول آخر سال مقدار معینی است و در رابطه بین دو طرف که هر یک می خواهد سهم خود را زیاد کند یک کشش وجود می آید هر طرف به وسائلی متشبت می شود برای آنکه تمایلات خود را به کرسی بنشانند و در نتیجه مبارز ای بین آنان درگیر می شود . در واقع هیچیک از دو طرف از روابط موجود راضی نیست . ارباب هر وقت زورش برسد قراردادهای غیر عادلانه موجود را زیر پا میگذارد ولی اگر زورش نرسد با تمام قوا کوشش میکند وضع موجود را نگهدارد و برای این کار سعی دارد وضع موجود را با قوانین مختلف اجتماعی و مذهبی که ظاهراً غیر قابل تغییر است مستحکم سازد . رعیت هم همیشه از وضع موجود ناراضی است و هر وقت نیرو پیدا کند برای در هم شکستن مقررات غیر عادلانه قدعلم میکند . اگر در این دوره مبارزات صورت علنی و وسیع ندارد دلیل این است که این مبارزه وجود ندارد . این مبارزه دائمی است و زائیده روابط موجود می باشد . تا این روابط برقرار است این مبارزه گاه به صورت مخفی و پراکنده و گاه به صورت علنی و متشکل در جریان می باشد . بعداً به این جریان باز خواهیم گشت .

۲- مثال دوم خود را در یک اجتماع صنعتی در یک کارخانه انتخاب می کنیم . در این کارخانه نیز ما یک عده افرادی می بینیم که از نظر شکل ظاهری همه فرد بشر هستند ولی از حیث شرایط زندگی اختلافات فاحشی بین آنان موجود است . عده کثیری از آنان به نام کارگر و مهندس در کارخانه کار می کنند و به وسیله نیروی کار خود و با استفاده از ماشین آلات کارخانه، مواد خام را به مواد قابل مصرف تبدیل می کنند . عده معدودی هم به نام صاحب کارخانه دارای سرمایه ای هستند و با این سرمایه ماشین آلات و مواد خام را تهیه کرده و مزد کار کارگران را می پردازند.

مانند گذشته طبعاً ما بحث نمی کنیم که این اشخاص سرمایه خود را از کجا آورده اند . آنچه برای ما مهم است اینست که بین افراد یعنی سرمایه داران یا صاحبان کارخانه و کارگران روابطی موجود و این روابط به وسیله وسائل تولید برقرار می شود .

کارگر چند ساعت نیروی کار خود را در مقابل مزد معینی می فروشد و با این مزد زندگی سختی را می گذراند . مطابق همان خواص غریزی و در اثر تبعیت از قوانین طبیعی و راهنمایی هوش و فهم این تمایل به طور دائم در او موجود است که زندگی آسوده تری داشته باشد . برای اینکه زندگی کارگر بهتر شود لازم است از میزان کار خسته کننده کم شود و بر میزان مزدش اضافه گردد . این تمایل را ما در عقب افتاده ترین کارگران سیاه پوست کلنی ها تا

کارگران جلو افتاده ترین اجتماعات سرمایه داری می یابیم در هر جا با شخصی روبرو می شویم که نیروی کار خود را در مقابل مزد می فروشد و چنانچه جویای تمایلات او شویم ، این جواب را خواهیم شنید : " کار زیاد است و مزد کم " و تقاضای نامبرده این است که ساعت کار کم شود و مزد زیاد . زیرا تنها با این تغییرات ، شرایط زندگی برای فرد کارگر آسوده تر و راحت تر خواهد شد . پس بطور کلی هر فرد کارگر یعنی هر فروشنده نیروی کار ، تمایل دائمی دارد که ارزش واحد نیروی کار بالا رود .

در مقابل صاحب کارخانه هم فرد بشر است و هر چه ثروتش زیادتر شود مایل است وسائل بیشتری داشته باشد . اگر اتوموبیل دارد مایل است یک هواپیمای شخصی هم داشته باشد و کشتی خصوصی هم برای شکار می خواهد . اگر خانه شهری دارد ، خانه بیلاقی برای زمستان ، خانه کنار دریا برای تابستان هم می خواهد ، یعنی تقاضای او نامحدود است و لذا طبق همان قوانین با تمام قوا مایل است میزان عایدی خود را اضافه کند . البته فعلاً وارد این بحث نمی شویم که تمام عایدی صاحب کارخانه از ارزش اضافی کار کارگران است ولی بطور ساده حس می شود که یکی از راه های تأمین منافع کارفرما ، اضافه کردن میزان محصول و پائین آوردن میزان مخارج است برای بالا بردن محصول باید با وسائل معینی ساعت کار کارگران زیاد گردد

مبارزه طبقاتی نورالدین کیانوری

و برای کم کردن مخارج ، مزد آنان تقلیل داده شود . به این ترتیب سرمایه دار صاحب کارخانه یک تمایل دائمی دارد که ارزش نیروی کار کارگران را پائین آورد .

دو طرف با دو تمایل متضاد ، با دو هدف متضاد در مقابل هم قرار دارند . چون هر دو طرف در حال یک حرکت دائمی هستند و نمی توانند ساکن باشند و وضع آن ها بطور ساده اینطور نیست که در مقابل هم ایستاده باشند بلکه مانند دو نفر هستند که هر یک به سمت جلوی خود در حرکت باشد و در راهروی باریکی که فقط یک نفر می تواند عبور کند در مقابل هم قرار گرفته باشند . هر یک به دیگری فشار وارد می آورد و بسته به آنکه کدام یک نیروی بیشتری دارد گاه اولی و گاه دومی چند قدم به جلو بر میدارد . ولی تا وقتی که هر دو طرف زنده و ایستاده هستند، این فشار از بین نمی رود .

حال کوشش می کنیم که مثال های سابق را منظم کرده و از آن ها نتیجه گیری نمائیم.

طبقات اجتماعی

در مثالی که برای زندگی دهاتی و روابط رعیت و مالک آوردیم به هیچوجه از محل دهکده و اسم و رسم ارباب و رعیت و ملیت و مذهب و نژاد و اخلاق و جنس آنان صحبت نکردیم. مثال کلی بود ، یعنی چه در یک دهکده در جنوب استرالیا که دارای ارباب انگلیسی و مسیحی و

مبارزه طبقاتی نورالدین کیانوری

رعیت سیاه پوستِ بت پرستِ استرلیایی است و چه در دهکده ای از زنجان که ارباب و رعیت ، هر دو مسلمان زنجانی و چه در حبشه که ارباب و رعیت هر دو سیاه پوستِ بت پرست هستند ، هر جا که رابطه بین ارباب و مالک مانند آن باشد که بحث کردیم نتایج آن رابطه هم به همان شکل خواهد بود . به این ترتیب ما می بینیم که در روی کره زمین یک عده زیادی افراد هستند که دارای مذهب و نژاد و ملیت و زبان مختلف هستند ولی وضع زندگی اقتصادی آنان مشابه است .

همه برای ادامه زندگی خود به کار کشاورزی مشغولند و برای کار خود مجبورند بر روی زمینی که مطابق قراردادهای مختلف متعلق به دیگری است کار کنند و در آخر سال هم سهمی از محصول به دست آمده ببرند ، بدون شک کلیه افراد هم به تبعیت از قوانین کلی طبیعت دارای یک نوع تمایل و هدف زندگی هستند یعنی افرادی هستند که دارای وضع اقتصادی مشابهی می باشند و تمایلات زندگی اقتصادی آن ها نیز مشابه است . عین این تشابه وضع اقتصادی و تشابه تمایلات زندگی اقتصادی ، برای مالکین و اربابان موجود است . همین طور که در مثال کارخانه ، نامی از شهر و نوع کارخانه و مذهب و نژاد و ملیت سرمایه دار صاحب کارخانه و کارگر نبردیم . در یک کارخانه در جنوب آفریقا ، کارگر انگلیسی ، آلمانی ، سیاه پوست ، هندی ، عرب کار می کنند و در بین صاحبان سهام هم ، از همه نوع اشخاص دیده می شوند. در سوئد

مبارزه طبقاتی نورالدین کیانوری

و یا هلند و آمریکا هم ترکیب های دیگری از مشخصات معلومی دیده می شود ولی در تمام این کارخانجات تمایلات افرادی که نیروی کار خود را می فروشند - یعنی شکل زندگی مشابهی دارند - یکی است .

مانند بالا ، عین تشابه وضع اقتصادی یعنی به کار انداختن سرمایه در یک تولید صنعتی (تهیه کارخانه ، تهیه مواد خام ، خرید نیروی کار کارگران و تولید محصول قابل مصرف) و تشابه در تمایلات اقتصادی یعنی پائین آوردن ارزش نیروی کار بین سرمایه داران تمام نقاط دنیا موجود است .

ما مجموعه افرادی را که در اجتماع بشری دارای وضع اقتصادی مشابه و تمایل اقتصادی شبیه به هم هستند یک طبقه اجتماعی می نامیم .

به این ترتیب ما در مثال های سابق خود چهار طبقه اجتماعی تشخیص می دهیم که دو به دو در مقابل هم قرار گرفته اند . طبقه زارع در مقابل ارباب یا مالک ، و طبقه کارگر در مقابل طبقه سرمایه دار .

تضاد طبقاتی

بین هر دو طبقه ای که به وسیله ابزار تولید به هم مربوط هستند روابطی موجود است. این روابط به صورت ساده و مسالمت آمیز نیست بلکه از آنجائیکه منافع و تمایلات این دو طبقه مربوط به هم چنانچه سابقاً به طور مشروح بحث شد در مقابل هم در حرکت است بین منافع این طبقات تضادی به وجود می آید و از آنجائیکه حرکت هر یک از این طبقات به سمت جلو به تبعیت از قوانین کلی طبیعت است و قراردادهای اجتماعی نمی تواند در قوانین کلی طبیعت تغییری به وجود آورد، لذا اختلاف منافع طبقات مختلف و یا تضاد بین آنان یک امر طبیعی و ضروری است. این تضاد چنانکه بعداً خواهیم دید تنها با نابود شدن یکی از این طبقات از بین خواهد رفت.

مبارزه طبقاتی

همانطور که گفته شد، تضاد طبقات به حالت سکون دو طرف در مقابل یکدیگر نیست بلکه دو طرف در یک حرکت دائمی به یک سمت می باشند و جاده یکی است و سمت ها مخالف. هر طرف برای رسیدن به هدف خود تلاش می کند و برخورد این تلاش ها، مبارزه طبقاتی را به

مبارزه طبقاتی نورالدین کیانوری

وجود می آورد. مبارزه طبقاتی با پیدایش طبقات به وجود آمده و با نیست شدن آن ها از بین خواهد رفت. مبارزه طبقاتی به طور کلی یک امر طبیعی است، زیرا تضاد و حرکت دو طرف مبارزه، مولود اراده و فکر و شعور بشر نیست بلکه مولود خواص طبیعی زندگی است. پس مبارزه طبقاتی هم نمودی است از طبیعت. فهم و شعور بشر می تواند این مبارزه را که به طور طبیعی وجود دارد منظم کرده، صورت مشخص تری به آن بدهد.

مبارزه طبقاتی از اولین روزهای پیدایش بردگی در اجتماع بشر بین بردگان و صاحبان برده آغاز گردید و البته روز به روز به نسبت تکامل وسائل تولید و توسعه فهم و دانش بشر تکامل یافت و در اجتماع سرمایه داری صنعتی، به عالی ترین درجه خود رسید.

ما تحولات مبارزه طبقاتی را در اجتماع سرمایه داری بعداً مورد بحث قرار خواهیم داد.

پیدایش طبقات اجتماعی

آیا اجتماع بشری همیشه به طبقات تقسیم می شود؟

آیا وضع کنونی طبقات اجتماعی همیشه در اجتماع خواهد بود؟

برای کسانی که طرفدار منطق علمی هستند امروز کاملاً روشن است که اجتماع بشری مانند هر نمود دیگری از طبیعت، هیچوقت در حال سکون و ثبوت نیست. یعنی دائماً در حرکت و

مبارزه طبقاتی نورالدین کیانوری

تغییر است . هیچ قانونی در اجتماع بشری از ابتدا وجود نداشته و برای ابد نیز بقا نخواهد داشت . در مورد بحث فوق یعنی وجود طبقات هم ، مسلماً همین طور است وجود طبقات نتیجهٔ منطقی روابطی است که بین افراد بشر در جریان تولید اجتماعی برقرار گردیده است . این روابط چنانکه دیدیم و باز هم خواهیم دید از ابتدای پیدایش بشر وجود نداشته است این روابط نتیجهٔ تولید است و تولید یعنی تغییر شکل مواد غیر قابل مصرف موجود در طبیعت به مواد قابل مصرف به کمک وسائل و ابزار مخصوصی به عمل تولید ، برای رفع نیازمندی های بشر که در دورهٔ معینی از زندگی بشر آغاز گردیده است . به طور مسلم طبقات و مبارزهٔ طبقاتی که مولود روابط تولیدی هستند . قبل از پیدایش تولید وجود نداشته است .

برای اینکه بهتر به منشاء پیدایش طبقات پی ببریم لازم است مختصری در اطراف عوامل تولید بحث نمائیم .

تولید که مطابق نظریهٔ جامعه شناسی علمی عامل اصلی تحولات و پایهٔ کلیهٔ تظاهرات جامعهٔ بشری است خود از عوامل چندی ترکیب می شود .

عوامل تولید عبارتند از مواد خام موجود در طبیعت ، ابزار تولید و نیروی کار بشری ، در نتیجهٔ ترکیب این سه عامل است که مواد قابل مصرف به دست می آید یعنی :

محصول قابل مصرف = نیروی کار بشر + ابزار تولید + مواد خام

مبارزه طبقاتی نورالدین کیانوری

در صورتیکه در معادله بالا عوامل تشکیل دهنده تولید را به دست اشخاص مختلفی بسپاریم بطوری که بین آن ها هیچگونه هماهنگی وجود نداشته باشد مسلماً در نتیجه این ترکیب ، یک عدم هماهنگی و هرج و مرج به وجود خواهد آمد .

اگر عوامل مختلف تولید در اختیار افراد مختلفی باشد ، مسلماً هر یک از آنان مایل است میزان سهم خود را از طرف مقابل معادله که محصول قابل مصرف است زیادتر کند و از همین جا ، تضاد بین سهامداران عوامل تولید برخواهد خاست.

ولی اگر عوامل مختلف تولید در اختیار یک فرد و یا عده معینی باشد یعنی ابزار تولید و نیروی کار و مواد خام در اختیار یک فرد یا دسته واحدی باشد در تقسیم محصول قابل مصرف هرج و مرج و تضادی به وجود نخواهد آمد . و امکان برقراری یک نظم منطقی در تولید و تقسیم محصول بسیار ساده خواهد شد . پس به طور کلی تا هنگامی که مالکیت عوامل تولید به طور کلی اشتراکی است امکان پیدایش طبقات و مبارزه طبقاتی موجود نیست زیرا چنانکه دیدیم طبقات اجتماعی و مبارزه آنان مولود اختلاف جبری است که بر سر تقسیم محصول تولید شده بین صاحبان مختلف عوامل تولید به وجود می آید .

به این ترتیب باید قبول کنیم که اگر در یک دوره از تاریخ زندگی بشر مالکیت عوامل تولید اشتراکی باشد (اصولاً تولید وجود نداشته باشد) حتماً در این دوره طبقات اجتماعی و مبارزه

مبارزه طبقاتی نورالدین کیانوری

طبقاتی واقعیت و وجود خارجی نداشته است و تنها پس از آن که مالکیت عوامل تولید بین عوامل مختلف المنافع تقسیم گردید و هر یک از این افراد یا دسته افراد ، صاحب یکی از این عوامل گردیدند طبقات و مبارزه طبقاتی به وجود می آید .

تاریخ اجتماع بشری هم امروز این حقیقت علمی را برای ما کاملاً تأیید می کند . در دوره هایی از زندگی بشر که تولید اجتماعی موجود نبوده و در آن قسمتی از دوره اشتراکی اولیه که افراد یک واحد اجتماعی بشر یعنی یک قبیله ، همه با هم کار می کردند و کلیه عوامل تولید هم ، به همه تعلق داشته است هیچگونه طبقات و اختلافات طبقاتی مشهود نمی شد .

ولی کم کم پس از آنکه به تدریج طرز تولید و ابزار آن تکامل پیدا می کند و تولید فردی به کمک ابزارهای تکامل یافته بیش از مصرف فردی می شود و ثروت در دست اشخاص معینی تمرکز پیدا می کند و جامعه به افراد کارکن و زحمتکش و بی ثروت ، و افراد غیر فعال و صاحبان ثروت تقسیم می گردد ، مالکیت عوامل تولید هم از صورت اشتراکی اولیه به صورت انفرادی و دوره بردگی در می آید .

از این تاریخ است که طبقات و مبارزات طبقاتی پیدا شده و روز به روز بر شدت آن افزوده می شود .

مبارزه طبقاتی نورالدین کیانوری

با این ترتیب می بینیم که طبقات و مبارزه طبقاتی چیزی نیست که افراد بشر پیش خود بوجود آورده باشند و به میل خود بتوانند از بین ببرند. طبقات و مبارزه طبقاتی نتیجه منطقی یک دوره از مراحل تکامل اجتماع بشری است.

از طرف دیگر برای ما روشن است که موضوع وجود طبقات و تقسیم اجتماع به یک دسته بزرگ زحمتکشان و یک دسته کوچک ممتاز طفیلی به هیچوجه از خواص ازلی و ابدی اجتماع بشری نیست بلکه از خواص گذرانی است که با شرایط یک دوره معین از زندگی اجتماعی تطبیق می نموده است و در تحت شرایط معینی از بین خواهد رفت.

اگر تولید صنعتی از صورت کنونی کشورهای سرمایه داری که مالکیت عوامل تولید در آن بین افراد مختلف سرمایه دار و کارگرتقسیم شده است در آمده و به صورت تولید سوسیالیستی که عوامل مختلف سه گانه تولید در اختیار عموم افراد می باشد تغییر پیدا کند طبقات و مبارزه طبقاتی از بین خواهد رفت ولی بر عکس اگر وضع فعلی تولید عوض نشود و سرمایه داران به دست علمای اجتماعی مدافع خود با تبلیغات و اختراعات فلسفی گوناگون و یا به دست ارتش مدافع خود با فشار و کشتار و قتل عام هزاران سال، کوشش کنند موفق به از بین بردن اختلافات و مبارزات طبقات و آشتی دادن طبقات مختلف انسانی نخواهند شد.

نیروی بشری هر چه عظیم و مهیب باشد نمی تواند قوانین طبیعت را تغییر دهد.

مبارزه طبقاتی نورالدین کیانوری

یک موضوع کوچک دیگر هم بحث ما را تکمیل خواهد کرد و آن این است که ما در معادله تولید متذکر شدیم در صورتی که عوامل تولید در اختیار و مالکیت یک دسته واحد درآید طبقات و مبارزات طبقاتی از بین خواهد رفت . البته ممکن است اینجا اشتباه پیش آید که ممکن است روزی تمام این عوامل در اختیار سرمایه داران در آید .

این موضوع کاملاً اشتباه است زیرا در بین عوامل تولید نیروی کار است که تنها در اختیار یک دسته معینی است و در اجتماع صنعتی ، طبقه کارگر مالک منحصر به فرد نیروی کار است و ایجاد هماهنگی بین عوامل تولید وقتی ممکن است که عوامل دیگر نیز در اختیار این مالک غیر قابل تغییر در آید . یعنی فقط با مالکیت عمومی وسائل تولید و مواد خام طبیعی در دست صاحبان نیروی کار یعنی طبقه زحمتکش ، از بین رفتن طبقات و مبارزات طبقاتی امکان پذیر است .

تحول مبارزات در اجتماع

سرمایه داری – مبارزات طبقاتی

مبارزات سیاسی

از اولین روزهای پیدایش کارگاه صنعتی و کارگر مزدور جدید (پرولتر) مبارزه این پرولترها با طرف مقابل خود یعنی صاحبان صنایع آغاز گردید. این مبارزه در طول عمر چند ساله خود تحول و تکامل زیادی پیدا کرده است. آغاز آن به صورت بدوی و ضعیف بود ولی وضع فعلی آن به صورت یک جریان خیلی تکامل یافته و نیرومند می باشد.

مبارزه اقتصادی انفرادی

در ابتدا کارگران که در شرایط زندگی بسیار سختی بسر می بردند و فاقد همه گونه وسائل زندگی و کار بودند عدم رضایت خود را از قراردادهای موجود و یا اعتراض خود را نسبت به روابط موجود بین آنان و سرمایه دار را با یک اقدام فردی متظاهر می ساختند. البته این مبارزه

مبارزه طبقاتی نورالدین کیانوری

فردی خواه به صورت ملایم و خواه به صورت خشن تر ممکن بود به طور موقت - اگر سرمایه دار هیچ چاره ای نداشت - موقعیتی نصیب کارگر نماید ، ولی در اکثریت قاطع این برخوردها مآلاً پیروزی نصیب سرمایه دار می گردید . سرمایه داران به این مبارزه فردی یا به وسیله بیکار کردن کارگران ، یا به وسیله زور پلیس و ژاندارم و یا به وسیله تهدید و دسیسه و غیره جواب می داد و از آنجائیکه یک فرد سرمایه دار به طور کلی با وسائلی که در اختیار دارد از یک فرد کارگر نیرومندتر بود ، عدم موفقیت افراد کارگر در مبارزات انفرادی تقریباً همیشگی بود .

ولی افراد کارگر از این مبارزات مکرر و بی نتیجه از شکست های پی در پی بدون کسب موفقیت، یک نتیجه مثبت گرفتند و آن این بود که در مقابل اراده و قدرت سرمایه دار ممکن نیست یک فرد کارگر بتواند از حقوق حقه خود دفاع نماید و با یک عمل دسته جمعی ، امید موفقیت ، زیادتر است. البته در اوایل ، دسته های بسیار کوچک مثلاً کارگران یک کارگاه با هم دست به اعتراض ، که به شکل زمین گذاشتن کار بود ، می زدند . در مقابل این دسته های یاغی، سرمایه دار باز هم با حربه های سابق به میدان می آمد : تفرقه ، تهدید ، دسیسه بازی ، اخراج ، استفاده از قوای دولتی همیشه وسایل کارفرماست . تنها در مواقعی که کارفرما احتیاج به کار دسته طغیان کننده داشت مثلاً اگر بازار فروش محصول رواج داشت و یا کارفرما قراردادی داشت که باید در موقع معین انجام دهد و اگر تمام وسایل او بدون نتیجه می ماند

مبارزه طبقاتی نورالدین کیانوری

حاضر می شد که تا حدی تقاضاهای اعتصاب کنندگان را برآورده سازد. ولی این هم موقتی بود زیرا به محض اینکه احتیاج فوری کارفرما برآورده می شد و یا بازار از رواج می افتاد و یا بیکار به اندازه کافی پیدا می شد برای آنکه کارگران را عوض نماید فوراً حمله متقابل سرمایه دار آغاز می گردید و اغلب امتیازات گرفته شده توسط کارگران، لغو می گردید.

باز هم مبارزه دسته های کوچک کارگران با کارفرما در اکثر موارد به نتیجه نمی رسید و یا اگر استثنائاً در موردی موفقیت نصیبشان می گردید موقتی بود. مخصوصاً هر چه دسته های کارگر اعتصاب کننده و معترض کوچک تر بود سرکوبی آنان به وسیله کارفرما آسان تر می شد. غریزه طبیعی و شعور اجتماعی که روز به روز تکامل پیدا می کرد کارگران را وادار می کرد که دسته های خود را بزرگ تر سازند و به اعتصابات پردامنه تری دست زنند.

اعتصاب کارگران یک کارخانه به اعتصاب کارگران یک کارخانه دیگر و بعد با اعتصاب کارگران چند کارخانه با هم و سپس به اعتصاب کارخانه های یک شهر و یا بالاخره از همه کامل تر به اعتصاب تمام کارگران یک کشور توسعه پیدا می کرد.

در جریان این تحولات طبقه کارگر دریافت که برای دفاع از حقوق خود نه تنها نباید افراد کارگر به صورت فرد فرد، به میدان مبارزه داخل شوند، بلکه باید در بین صفوف دسته های مبارز، نظم و ترتیب حکمفرما باشد و از اینرو احتیاج به وجود سازمان

های منظم کارگری که هدفشان مبارزهٔ صنفی بود محسوس شد و بالاخره این سازمان به نام اتحادیه یا سندیکا به وجود آمد .

هدف اتحادیه ها یا سندیکاهای کارگری این بود که افراد طبقهٔ کارگر را متشکل کرده و تحت لوای یک سازمان منظم ، موفقیت آن را در مبارزهٔ اقتصادی در مقابل کارفرمایان هر چه بهتر تأمین نمایند . ولی اگر به تاریخ مبارزات اجتماعی دورهٔ سرمایه داری در کلیهٔ کشورهای صنعتی نظری بیفکنیم می بینیم که همیشه طی مبارزات اقتصادی ، گرچه موفقیت های نسبی و موقتی نصیب طبقهٔ کارگر شده است ولی هیچگاه این موفقیت ها جنبهٔ دائمی نداشته است . کارفرمایان که با داشتن وسائل مادی و معنوی زیادتر ، همیشه حاکم بر جریان امور کشور هستند از ناآگاهی طبقات زحمتکش استفاده کرده همواره با مانورهای ماهرانه ، جریانات را به نفع خود تمام کرده اند .

مثلاً فرض کنیم در یک کشور سرمایه داری با به کار انداختن تمام قوای خود نتوانستند در یک مرحله از موفقیت کارگران جلوگیری کنند و اوضاع عمومی آنان را مجبور کرد که امتیازات اقتصادی برای کارگران قائل شوند . آیا سرمایه داران پس از این جریان تابع واقعیت می شوند و این پیشرفت کارگران را به رسمیت می شناسند ؟ مسلماً نه ! آنان با تمام قوا از راه های دیگر کوشش می کنند که این شکست خود را ترمیم نمایند مسلماً با گران کردن مصنوعی اجناس

مبارزه طبقاتی نورالدین کیانوری

که بازارش در دست خود آنان است به آسانی می توانند امتیاز داده شده را پس بگیرند . و چون دستگاه حاکمه یعنی مجلس و دولت در دست آن ها است ، به آسانی می توانند در قوانین حقوقی و مالی کشور به نفع خود تغییراتی دهند .

یا اگر هم کاملاً استیصال به آنان دست داده است نه تنها از قوانین و مقررات دولتی بلکه از ارتش ، پلیس و اسلحه نیز به نفع خود و برای سرکوب کردن زحمتکشان استفاده می نمایند .

در تاریخ خیلی بیش از یک بار دیده شده که سرمایه داران در مبارزه با زحمتکشان نیروهای مسلح دولتی را به کار برده اند . در تاریخ مبارزات نمونه های خونینی از این اقدام خونین سرمایه داران دیده می شود . فاشیسم خود نمونه کامل و منظم شده ای از این سیاست است که در خیلی از کشورهای سرمایه داری به مورد آزمایش گذاشته شده است . در طی این تجربیات برای افراد آگاه روشن و پیشرو طبقه کارگر موضوع تازه ای روشن می شود و آن این است که دستگاه حکومتی اعم از مجلس و دولت در مبارزه بین طبقه کارگر و طبقه سرمایه دار، نقش بسیار با اهمیتی را بازی می کند و تا وقتی که این دستگاه به نفع سرمایه داران مشغول کار باشد نه تنها موفقیت قطعی نصیب طبقه کارگر نخواهد شد بلکه موفقیت های موقتی و نسبی هم خیلی زود در اثر مانورهای دستگاه حکومتی از بین برده می شود .

مبارزه طبقاتی نورالدین کیانوری

از اینجا افراد آگاه طبقه کارگر به این حقیقت پی می برند که برای آزادی زحمتکشان ، برای گرفتن حقوق حقه آنان ، مبارزات اقتصادی کافی نبوده و باید هدف مبارزه را تغییر داده و متوجه مهمترین سنگر دشمن یعنی دستگاه حکومت نمود . البته این مبارزه برای به دست گرفتن حکومت که از طرف پیشروترین افراد طبقه کارگر آغاز می شود یک طرفی نیست ، طرف مقابل یعنی سرمایه داران هم که به ارزش و اهمیت دستگاه حکومتی از دیر زمانی آشنا هستند با تمام قوای خود کوشش می کنند این سنگرگاه را از دست ندهند و به این ترتیب در نتیجه تحول و تکامل مبارزات اقتصادی ، مبارزات طبقاتی شکل تازه ای بخود می گیرد که مبارزه برای به دست گرفتن دستگاه حکومتی یعنی مبارزه سیاسی است .

افراد پیشرو و فهمیده طبقات مختلف بطور دسته جمعی در این مبارزه شرکت می جویند . اجتماعات مختلفی که رتبه های مختلف این صحنه مبارزه را تشکیل می دهند یعنی همان احزاب سیاسی با برنامه های مختلف وارد میدان می شوند . کم کم احزاب سیاسی که در روزهای اول پیدایش خیلی نامنظم بود صفوف خود را بیشتر مرتب کرده و صورت خارجی دقیق تری بخود می گیرد و مبارزه سیاسی ، مبارزات اقتصادی را کاملاً تحت الشعاع خود قرار می دهد.

خلاصه

سراسر تاریخ بشر را یک سلسله مبارزات کشمکش های اجتماعی تشکیل می دهد . تاریخ بشر تابع قوانین طبیعی است و هرج و مرج در آن حکمفرما نیست این مبارزات که بین طبقات مظلوم و زحمتکش و مولد از یک طرف ، و طبقات ظالم و صاحب ثروت از طرف دیگر در جریان است امری است کاملاً طبیعی و جبری و مولود روابط اقتصادی موجود در اجتماع می باشد . میل و اراده افراد مبارزات طبقاتی را به وجود نمی آورد و نمی تواند آن را از بین ببرد . طرز تولید اجتماع بشری و روابط تولیدی است که در یک دوره از مراحل تکامل خود منتج به پیدایش طبقات شده و مبارزات طبقاتی را ایجاب می کند . از بین رفتن طبقات و مبارزات طبقاتی تنها با تمرکز مالکیت عوامل تولید در دست یک دسته معینی یعنی دسته زحمتکشان و صاحبان نیروی کار تولیدی امکان پذیر است .

مبارزات طبقاتی در دوره موجودیت خود نقش ثابتی نداشته و از اولین روز پیدایش بردگی آغاز شده و هر روز و در هر دوره به اشکال خاصی متظاهر گشته است . در دوره سرمایه داری به صورت مبارزه اقتصادی انفرادی آغاز و بالاخره به صورت سیاسی پردامنه یک طبقه بزرگ تکامل یافته است .
